

از بین بردن موانع ارتباط با دانش آموزان^۱: تشریفات، رابطه‌ها و محدودیت‌ها^۲

نوشته شده در تاریخ پنج‌شنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۹

فاطمه حسین‌مردی^۳

شما اهل کجا هستید؟ این ممکن است اولین چیزی باشد که در یک کلاس مجازی از شما پرسیده می‌شود. اگر سفید پوست به نظر برسید، در سنت لوئیس ممکن است این سؤال را از شما بپرسند: به کدام دبیرستان رفتید؟

متن اصلی را می‌توانید از آدرس لینک‌داین مطالعه نمایید: ^۱

[linkedin.com/in/fmardi](https://www.linkedin.com/in/fmardi)

^۲ Rituals, relationships, & restrictions

نویسنده این سه کلمه را به صورت ۳R

در متن به کار بسته است.

دکتر و فوق‌دکترای آموزش تکنولوژی از دانشگاه میزوری امریکا - دارای مدرک مدیریت حرفه‌ای مدیریت پروژه و استاد دانشگاه میزوری ^۳



وقتی آنلاین هستیم چگونه با دانش آموزان ارتباط برقرار می‌کنیم؟ من تصور می‌کنم که اگر معلم از من بپرسد اهل کجا هستم و برای پاسخ فقط ۵ ثانیه فرصت داشته باشم دچار ترس می‌شوم.

روش‌های زیادی وجود دارد که می‌توانم با آنها پاسخ دهم و قبل از اینکه آماده پاسخ باشم نیاز دارم مواردی را در مورد شخصی که از من سوال می‌پرسد بدانم.

Taiye Selasi بحثی در TED دارد که سالانه یکبار در خبرنامه من ظاهر می‌شود. در این بحث او به زیبایی بیان می‌کند که وقتی افراد با هویت‌های متعدد و خلاصه شده مجبور به پاسخگویی هستند، چقدر احساس اصالت نداشتن می‌کنند.

برای اینکه منظورم را بهتر بنویسم فلش بکی به تابستان سال ۲۰۲۰ می‌زنم: در مورد ایده صحبت کردن پیرامون رویدادهای BLM با دختران نوجوان سیاه پوستی گپ می‌زدم و لذت تدریس و یادگیری با آنها داشتم. قبل از صحبت تصمیم گرفتم ابتدا با کسی که به او اعتماد دارند مشورت کنم. قبل از اینکه حتی بتوانم فعالیتی را که به آن فکر می‌کردم پیشنهاد دهم، او به من گفت یک چیز را در نظر بگیرم. وی گفت من باید بدانم که همه آنها از نظر اقتصادی و اجتماعی یکسان نیستند و هر کدام به مدارس بسیار متفاوتی می‌روند و از این جهت آنها نژاد پرستی (یا این وقایع) را به شیوه‌های مختلفی تجربه می‌کنند. این تلنگر برای من خیلی عظیم بود و باید خودم را بررسی می‌کردم: افکار، اهداف و اقداماتم را.

چگونه می‌توانم برچسب‌ها و موانعی را که در برقراری ارتباط بین معلمان و دانش آموزان وجود دارد و بیشتر از اینکه به آنها نفع برساند، به آنها ضرر می‌زند، برهم بزنم؟

دکتر جابر در مورد لزوم اینکه از تک داستان‌ها استفاده نکنیم صحبت می‌کند. او همچنین اشاره‌ای به عواقب عملکرد معلمان که عملکرد نادرست دارند اما خوش فکر هستند اشاره می‌کند. تحقیقات او در مورد آمریکایی‌های عرب و مسلمان است. من دانش آموزان عرب را با عبارت "اقلیت" در زیر جایگزین کردم، زیرا معتقدم این اصطلاح می‌تواند در هر فرهنگی باشد.



تلاش برای اینکه دانش‌آموزان اقلیت خودشان را و سایر دانش‌آموزان را در پنجره‌هایی برای کسب اطلاعات در مورد همسالان خود ببینند، منجر به بزرگنمایی کلیشه‌ها، باورهای غلط و احساس بیگانگی برای دانش‌آموزانی است که برای توانمندسازی آنها تلاش می‌شود.

به نظر می‌رسد ما در مورد آنچه نباید انجام دهیم ایده داریم، اما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ از آنجا که "تجربه‌های من متعلق به جایی است که من اهل آنجا هستم."، از ساختار $3R$ متعلق به **Taiye Selasi** استفاده می‌کنم: تشریفات، روابط و محدودیت‌ها.

اگر دانش‌آموز من بگوید که او تهرانی است، چگونه این امر به او کمک می‌کند تا با دیگران ارتباط برقرار کند؟ برای مثال اگر این یک تشریفات است که قبل از ورود به خانه کفش‌های خود را در بیاورد و دانش‌آموزان دیگر هم این رسم را داشته باشند ممکن است با این رسم با دیگران ارتباط برقرار کند. این مثال حالت انتزاعی کمتری پیرامون برقراری ارتباط برای او فراهم می‌کند زیرا او به همکلاسی‌های خود در مورد فرهنگ فارسی یا میلیون‌ها راهی که زندگی در آنجا هدایت می‌شود آموزش نمی‌دهد و صرفاً در حال بیان تجربه خود و رسوم و تشریفات خود است.

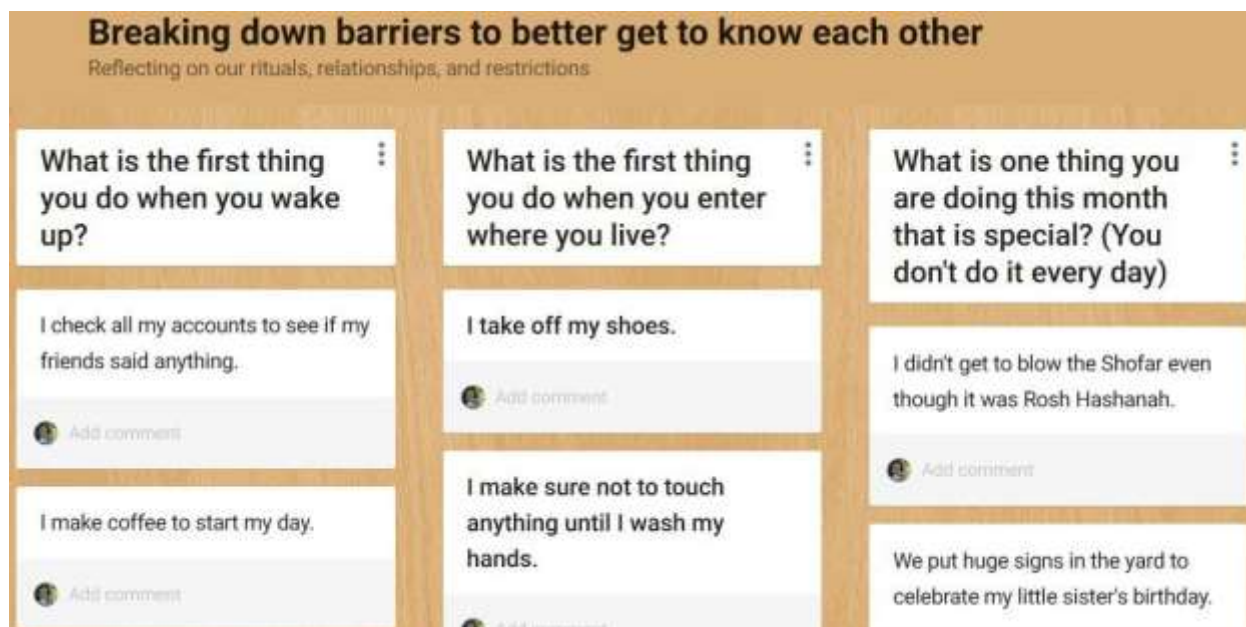
بعد از تشریفات، R بعدی روابط است، کسانی که تجربیات عاطفی و هویت ما را شکل می‌دهند. روابط، R آخر یعنی محدودیت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. سالی^۴ مثالهایی را ارائه می‌دهد که چگونه محلّیت و بومی بودن بر روابط و محدودیت‌ها تأثیر می‌گذارد. با گوش دادن به این موارد، می‌توانیم فکر کنیم که کدام تجربیات برای جمع کردن دانش‌آموزان مهم است و به ما کمک می‌کند تا از یکدیگر یاد بگیریم.

این موضوع در کلاس مجازی چگونه ممکن است به نظر برسد؟

یکی از راه‌ها این است که دانش‌آموزان این $3R$ را در رابطه با فردیت‌های روزانه خود به اشتراک بگذارند. می‌توانید در مورد اینکه چه چیزی را به اشتراک بگذارند به آنها انتخاب بدهید. برخی از این فردیت‌ها نظیر کارهای روزمره (بیدار شدن از خواب یا کاری که هنگام ورود به خانه انجام می‌دهند) یا برنامه‌های روزهای خاص (اوقات یا جشن‌های فردی یا جمعی) است.

^۴ Selasi





دانش‌آموزان ممکن است آنچه را که می‌دانند در ابتدا بپذیرند و درک کنند و به اشتراک بگذارند. آنها ممکن است بعد از اینکه اعتمادشان به کلاس بیشتر شد و احساس امنیت بیشتری پیدا کردند، دست به کار شوند.

پیشنهاد من این است که با این ۳R یک سرعت آهسته و ثابت داشته باشید.

بهتر است یک سوال خاص برای دانش‌آموزان داشته باشید تا بتوانند به تنهایی (به طور همزمان) به آن پاسخ دهند یا دو سوال را انتخاب کنند. سپس به صورت همزمان آن را با هم در کلاس منعکس کنید^۵(چهارمین R).

ارتباطات را برقرار کنید و هیجان را به اشتراک بگذارید. دانش‌آموزان ما در هر کلاس چیزهای زیادی را با خود به همراه می‌آورند. با ارج نهادن به تجربیات آنها و اتصال آنها به یکدیگر، فضای امنی برای آنها ایجاد می‌کنیم تا سرانجام درباره حقیقت خود صحبت کنند.

بعد از مدتی (شاید یک ماه)، R بعدی و سپس بعدی را معرفی کنید. R سوم یعنی محدودیت‌ها سخت‌ترین کارها خواهند بود. من اکیداً پیشنهاد می‌کنم معلمان ۳R خود را در این راه به اشتراک بگذارند.

^۵ Reflect

